Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml .ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۴،
صفحات ۱۶-۱

نقش دادگاه‌های کیفری در تضمین حقوق اساسی شهروندان در فرآیند دادرسی

رسول ارمغانی گروه حقوق، حقوق جزاو جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،ایران

سمیه صدری گروه حقوق، حقوق جزاو جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،ایران

چکیده

نقش دادگاه‌های کیفری در تضمین حقوق اساسی شهروندان، یکی از ستون‌های اساسی نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود. این دادگاه‌ها به عنوان نهادهای مستقل و بی‌طرف، وظیفه دارند در جریان دادرسی، حقوق بنیادین متهمان و شاکیان را رعایت کرده و زمینه‌ساز اجرای عدالت عادلانه باشند. از جمله مهم‌ترین حقوق اساسی که دادگاه‌های کیفری باید تضمین کنند می‌توان به حق دفاع، حق داشتن وکیل، اصل بی‌طرفی، و حق دسترسی به دادگاه عادلانه اشاره کرد. رعایت این حقوق نه تنها موجب حفظ کرامت انسانی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را افزایش می‌دهد و مشروعیت نظام قضایی را تثبیت می‌کند.با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله به بررسی نقش و جایگاه دادگاه‌های کیفری در تضمین حقوق اساسی شهروندان پرداخته شده است. ضمن تحلیل مواد قانونی مرتبط با دادرسی عادلانه و حقوق متهمان، چالش‌ها و موانع عملی تحقق این حقوق مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. هدف از این پژوهش، ارائه راهکارهایی برای تقویت کارایی دادگاه‌ها در صیانت از حقوق شهروندان و ارتقای کیفیت فرایند دادرسی کیفری است که می‌تواند به افزایش عدالت قضایی و کاهش تضییع حقوق منجر شود.

واژگان کلیدی: دادگاه کیفری، حقوق اساسی شهروندان، دادرسی عادلانه، حق دفاع، استقلال قضایی، حق حضور وکیل، اصل بی‌طرفی، مشروعیت نظام قضایی

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Scientific Journal of Modern Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags, Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml .ir

Year 2025و Sixth year ,Issue 24

Pages 1-16

The Role of Criminal Courts in Guaranteeing the Fundamental Rights of Citizens in the Trial Process

Rasool Armaghani — Department of Law, Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Somayeh Sadri — Department of Law, Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

The role of criminal courts in guaranteeing the fundamental rights of citizens is considered one of the fundamental pillars of the criminal justice system. As independent and impartial institutions, these courts are responsible for respecting the fundamental rights of defendants and plaintiffs during the trial and for paving the way for the implementation of fair justice. Among the most important fundamental rights that criminal courts must guarantee are the right to defense, the right to a lawyer, the principle of impartiality, and the right to access a fair trial. Respecting these rights not only preserves human dignity, but also increases public trust in the judicial system and establishes the legitimacy of the judicial system. Given the importance of this issue, this article examines the role and position of criminal courts in guaranteeing the fundamental rights of citizens. While analyzing the legal provisions related to fair trial and the rights of defendants, the practical challenges and obstacles to the realization of these rights have been evaluated. The purpose of this research is to provide solutions to strengthen the efficiency of courts in protecting citizens' rights and improving the quality of the criminal trial process, which can lead to increased judicial justice and reduced violations of rights.

Keywords: Criminal court, fundamental rights of citizens, fair trial, right to defense, judicial independence, right to a lawyer, principle of impartiality, legitimacy of the judicial system

JEL Classification: **Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law**

مقدمه

دادگاه‌های کیفری به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام قضایی، نقش حیاتی در تضمین حقوق اساسی شهروندان در فرایند دادرسی ایفا می‌کنند. این نهادها موظف‌اند ضمن رعایت اصول حقوقی و قانونی، عدالت را به شکل واقعی و ملموس برای همه طرف‌های دعوا به اجرا درآورند. از جمله حقوق بنیادینی که در دادگاه‌های کیفری باید به دقت رعایت شود، حق دفاع، اصل بی‌طرفی، حق حضور وکیل مدافع و برخورداری از دادرسی علنی است که هر یک پایه‌های مهمی برای حفظ کرامت انسانی و اجرای عدالت به شمار می‌روند. این حقوق، علاوه بر تأمین حقوق فردی، موجب ارتقای اعتماد عمومی به نظام قضایی نیز می‌شوند.از دیدگاه حقوق داخلی، قانون آیین دادرسی کیفری با تأکید بر تضمین حقوق متهمان و شاکیان، چارچوب مشخصی را برای عملکرد دادگاه‌های کیفری تعیین کرده است. ماده ۱۸۴ این قانون حق حضور وکیل را به صراحت تضمین کرده و ماده ۱۹۰ بر ضرورت صدور حکم منصفانه و عادلانه تأکید دارد. این اصول، به عنوان مبنای حقوقی، وظیفه دادگاه‌ها را در تضمین حقوق اساسی متهمان روشن می‌سازد و هر گونه تخلف یا نقض این اصول، قابل رسیدگی و نقض در مراحل بالاتر است.

از سوی دیگر، تجربه عملی و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که در برخی موارد موانعی همچون فشارهای بیرونی، نقص در آموزش قضات، و کمبود امکانات باعث شده است که تضمین کامل این حقوق در عمل با چالش‌هایی مواجه شود. این مشکلات علاوه بر ایجاد خلل در فرایند دادرسی، می‌تواند به صدور احکام ناعادلانه و کاهش مشروعیت دستگاه قضایی منجر شود. بنابراین، ضرورت بازنگری در روش‌های رسیدگی و تقویت ساختارهای حمایتی برای تضمین واقعی حقوق اساسی شهروندان بیش از پیش احساس می‌شود.

در این مقاله، تلاش شده است تا ضمن بررسی نقش دادگاه‌های کیفری در صیانت از حقوق اساسی شهروندان، چالش‌ها و مشکلات موجود در این زمینه شناسایی و تحلیل شود. همچنین با استناد به مواد قانونی و رویه قضایی، راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی دادگاه‌ها در این حوزه پیشنهاد خواهد شد تا بتوان گام مؤثری در جهت تقویت عدالت کیفری برداشت و حقوق اساسی متهمان و شهروندان را به شکل کامل‌تری تضمین کرد.

۱-مفاهیم بنیادین و مبانی نظری

۱-۱-تعریف حقوق اساسی شهروندان در فرآیند دادرسی کیفری

در معنای لغوی، واژه «حق» به چیزی گفته می‌شود که به صورت مشروع و قانونی، فردی نسبت به آن استحقاق دارد؛ و واژه «شهروند» به هر عضوی از جامعه که تابعیت یک کشور را داراست و در برابر قانون، دارای حقوق و تکالیف مشخص است، اطلاق می‌گردد. از ترکیب این دو، «حقوق شهروندی» مفهومی شکل می‌گیرد که اشاره به مجموعه‌ای از امتیازات، آزادی‌ها و حمایت‌های قانونی دارد که افراد یک جامعه، صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی یا اقتصادی‌شان، در مقابل حکومت دارا هستند. هنگامی که این مفهوم در بستر نظام کیفری به کار می‌رود، منظور آن مجموعه‌ای از حقوق و تضمین‌هایی است که در فرآیند رسیدگی به اتهامات کیفری، باید برای فرد متهم یا مظنون، رعایت شود(الهی منش و مرادی اوجقاز،۱۳۹۸:ص۶۱-۶۰).

در اصطلاح حقوقی، حقوق اساسی شهروندان در دادرسی کیفری، شامل آن دسته از حقوقی است که مبتنی بر قانون اساسی، قوانین عادی و اسناد بین‌المللی، به عنوان حداقل‌های لازم برای حفظ کرامت انسانی، آزادی‌های فردی و تضمین دادرسی عادلانه تعریف شده‌اند. این حقوق، مواردی چون اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی)، حق داشتن وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی)، منع شکنجه (اصل ۳۸)، اطلاع‌رسانی از اتهام، حق دفاع مؤثر، رسیدگی علنی و بی‌طرفانه، و حق اعتراض به رأی را در بر می‌گیرد. همچنین این حقوق در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. رعایت این حقوق، نه‌تنها الزامی قانونی، بلکه پیش‌شرط مشروعیت نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود(همان،ص۶۲).

از منظر عملی، رعایت حقوق اساسی در دادرسی کیفری به معنای ایجاد یک فرآیند حقوقی متوازن است که در آن هم حق جامعه برای مبارزه با جرم و جنایت و هم حقوق فرد برای برخورداری از حمایت‌های قانونی به رسمیت شناخته شود. بی‌توجهی به این حقوق، می‌تواند منجر به نقض عدالت، بروز تبعیض، و سلب مشروعیت نهادهای قضایی شود. بنابراین، اهمیت این حقوق فراتر از جنبه نظری و قانونی است و در بطن هر پرونده کیفری باید مورد توجه قرار گیرد. دستگاه قضایی، ضابطان دادگستری، و وکلا موظفند در تمامی مراحل دادرسی از بازداشت تا صدور حکم و اجرای آن، این حقوق را به‌دقت رعایت کنند تا فرآیند کیفری، هم عادلانه باشد و هم به عدالت ادعایی، جنبه عملی ببخشد.

۱-۲-جایگاه دادگاه‌های کیفری در نظام دادرسی

دادگاه‌های کیفری در ساختار نظام دادرسی هر کشور، به‌عنوان نهادهای رسمی و قانونی، نقش محوری در تحقق عدالت کیفری ایفا می‌کنند. از منظر ساختاری، این دادگاه‌ها

در سلسله‌مراتب قضایی قرار دارند و بسته به نوع جرم و میزان مجازات پیش‌بینی‌شده، در سطوح بدوی، تجدیدنظر و عالی، به بررسی اتهامات کیفری می‌پردازند. بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ایران، دادگاه‌های کیفری به چند دسته تقسیم می‌شوند، از جمله دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، و دادگاه انقلاب، که هرکدام صلاحیت ذاتی خاصی دارند. هدف اصلی آن‌ها، بررسی اتهام‌های وارده بر متهم، رسیدگی عادلانه به دعاوی کیفری، و صدور احکام مبتنی بر قانون و عدالت است.

از نظر کارکردی، دادگاه‌های کیفری به‌مثابه ستون فقرات دادرسی عادلانه، نقش تضمین‌کننده حقوق طرفین دعوا را ایفا می‌کنند. آن‌ها موظف‌اند در رسیدگی به جرایم، ضمن رعایت اصول دادرسی منصفانه نظیر اصل بی‌طرفی، اصل شفافیت، اصل تساوی سلاح‌ها و اصل رعایت کرامت انسانی، نسبت به جمع‌آوری دلایل، استماع دفاعیات، و بررسی اظهارات شهود و کارشناسان اقدام نمایند. در این مسیر، دادگاه کیفری صرفاً داور میان ادعای دادستان و دفاع متهم نیست، بلکه حافظ منافع عمومی و ضامن اجرای عدالت کیفری است. صدور رأی قانونی، مستند، مستدل و مطابق با اصول حقوقی، بارزترین نمود عملکرد کارکردی این دادگاه‌ها است(اکرمی و حسین علی زاده، ۱۴۰۰:ص۱۸).

نقش دادگاه‌های کیفری، نه تنها در سطح رسیدگی به جرم، بلکه در اعتمادسازی عمومی به نظام قضایی نیز اهمیت دارد. عملکرد صحیح این دادگاه‌ها می‌تواند اعتماد شهروندان را به حاکمیت قانون تقویت کرده و احساس امنیت قضایی را در جامعه گسترش دهد. همچنین، با صدور آرای بازدارنده و متناسب با جرم، نقش پیشگیری عام از وقوع جرم را نیز ایفا می‌کنند. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، دادگاه‌های کیفری با رعایت استانداردهای بین‌المللی دادرسی، از جمله مندرجات اسناد حقوق بشری نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۰) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۴)، به‌عنوان نهادی مؤثر در تضمین عدالت، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱-۳-رابطه بین دادرسی کیفری و حقوق بشر

دادرسی کیفری به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اعمال حاکمیت، همواره در معرض چالش‌هایی بوده است که با حقوق بنیادین بشر گره خورده‌اند. در این میان، اصولی همچون کرامت انسانی، آزادی فردی، برابری در برابر قانون و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، به عنوان شاخص‌های اصلی حقوق بشر، در شکل‌گیری و اجرای فرآیند دادرسی کیفری نقش اساسی دارند. به‌عبارت دیگر، بدون توجه به این حقوق، دادرسی کیفری نه‌تنها عدالت را محقق نمی‌سازد، بلکه

ممکن است خود به ابزاری برای نقض حقوق انسانی تبدیل شود. از این رو، میان حقوق بشر و دادرسی کیفری، رابطه‌ای دوسویه و بنیادین برقرار است که هر یک در صحت و مشروعیت دیگری اثرگذار است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" (۱۹۶۶)، اصول بنیادینی برای دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده که جنبه الزام‌آور دارد. ماده ۱۴ این میثاق به صراحت به حق هر فرد برای برخورداری از محاکمه‌ای منصفانه، علنی، با حضور قاضی بی‌طرف و مستقل، و حق دفاع مؤثر اشاره کرده است. این مفاهیم در بسیاری از کشورها، از جمله در حقوق داخلی ایران، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. برای نمونه، اصول ۳۲ تا ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به تضمین‌هایی چون اصل برائت، منع بازداشت‌های غیرقانونی، منع شکنجه، و حق دفاع اشاره دارند که همگی بازتابی از همان موازین بین‌المللی هستند(شاهمرادی وجاوید،۱۳۹۶:ص۹۵).

در عمل، هم‌سویی و انطباق این مفاهیم، مسیر دستیابی به دادرسی کیفری عادلانه را هموار می‌سازد. رعایت اصول دادرسی منصفانه به معنای احترام به کرامت انسانی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت قضایی است. دستگاه قضایی در هر کشور موظف است با در نظر گرفتن اسناد بین‌المللی که آن کشور به آنها پیوسته، بستر اجرای کامل این اصول را فراهم آورد. در غیر این صورت، ممکن است با انتقادات داخلی و بین‌المللی در خصوص نقض حقوق بشر مواجه گردد. به‌طور خلاصه، دادرسی کیفری و حقوق بشر نه‌تنها قابل تفکیک نیستند، بلکه رعایت اصول دادرسی عادلانه خود مصداقی از اجرای حقوق بشر در عمل است.

۲-جلوه‌های تضمین حقوق اساسی در عملکرد دادگاه‌های کیفری

عملکرد دادگاه‌های کیفری زمانی مشروع و قابل دفاع است که مبتنی بر رعایت حقوق اساسی افراد، به‌ویژه متهمان، باشد. این تضمین‌ها در قالب اصول بنیادینی مانند اصل برائت، اصل علنی بودن رسیدگی، حق داشتن وکیل، حق دفاع مؤثر، و اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه‌ها متبلور می‌شود. در نظام حقوقی ایران، اصول ۳۲ تا ۳۹ قانون اساسی به‌وضوح به این موضوعات پرداخته‌اند و چارچوب مشخصی برای رعایت حقوق اساسی در فرآیند کیفری ترسیم کرده‌اند. به عنوان نمونه، اصل ۳۵ قانون اساسی، حق استفاده از وکیل در کلیه مراحل دادرسی را به رسمیت شناخته و آن را یکی از مظاهر تضمین دادرسی عادلانه می‌داند(شیدائیان و اسحاقی،۱۳۹۹:ص۱۱۸).

در رویه عملی دادگاه‌های کیفری، جلوه‌هایی چون امکان اعتراض به رأی، رسیدگی در مهلت معقول، بررسی بی‌طرفانه

دلایل و استماع کامل دفاعیات متهم از جمله ابزارهایی است که حقوق شهروندان را در برابر هرگونه اعمال سلیقه یا سوءاستفاده احتمالی از قدرت قضایی، حفاظت می‌کند. همچنین، استقلال قاضی و بی‌طرفی مرجع قضایی موجب می‌شود تا طرفین دعوا در شرایط برابر از شنوایی حقوق خود برخوردار شوند. رعایت این اصول در عمل، نه‌تنها ضامن مشروعیت آراء صادره است، بلکه زمینه‌ساز اعتماد عمومی به نظام قضایی خواهد بود.از منظر تطبیقی و بین‌المللی نیز، جلوه‌های تضمین حقوق اساسی در عملکرد دادگاه‌های کیفری با استانداردهای مقرر در اسناد حقوق بشری هماهنگ شده‌اند. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و اصول مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بر الزامات دقیق برای دادرسی منصفانه تأکید دارند. بنابراین، رعایت این جلوه‌ها در دادگاه‌های کیفری نه‌تنها یک ضرورت داخلی برای تأمین عدالت است، بلکه از منظر بین‌المللی نیز موجب ارتقاء جایگاه حقوقی کشور در نظام حقوق بشر جهانی خواهد شد. دادگاه‌هایی که به این اصول پایبند باشند، عملاً در خدمت حفظ حقوق اساسی جامعه‌اند، نه صرفاً مجری قانون به شکل خشک و بدون روح انسانی.

۲-۱-نقش دادگاه در رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال قضایی

نقش دادگاه در رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال قضایی از اهمیت حیاتی در تضمین عدالت کیفری برخوردار است. استقلال قاضی به این معناست که او در رسیدگی به پرونده‌ها بدون هرگونه تأثیر خارجی، فشار سیاسی، یا مداخله‌های غیرقانونی، صرفاً بر اساس قانون و دلایل موجود تصمیم‌گیری کند. اصل بی‌طرفی نیز به این معناست که قاضی باید نسبت به همه طرف‌های پرونده به یک چشم بنگرد و بدون هیچ گونه تعصب یا جانب‌داری رای صادر نماید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۶ خود بر استقلال قوه قضاییه تأکید دارد و آیین دادرسی کیفری نیز سازوکارهایی برای تضمین این استقلال پیش‌بینی کرده است. عملکرد دادگاه در رعایت این اصول باعث می‌شود که رای صادره به‌عنوان تجلی عدالت و حقیقت تلقی شود. قاضی مستقل و بی‌طرف، می‌تواند با اتکا به شواهد و قوانین موجود، حکم منصفانه صادر کند که نه تنها حقوق متهم و شاکی را رعایت می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را نیز افزایش می‌دهد. بالعکس، هرگونه تأثیرپذیری قاضی از فشارهای بیرونی، می‌تواند موجب صدور آراء ناعادلانه، نقض حقوق افراد، و کاهش مشروعیت نظام قضایی شود. در موارد متعدد، قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی، از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر این امر تأکید کرده‌اند(فلاح نژاد،۱۴۰۱:ص۷۵۸).

از منظر عملی، دادگاه‌ها موظف‌اند با اتخاذ تدابیر لازم، محیطی فراهم کنند که قضات بتوانند در فضایی آزاد و امن به رسیدگی بپردازند. این امر مستلزم حمایت قانونی، مدیریت شایسته و جلوگیری از هرگونه مداخله غیرمجاز است. علاوه بر این، رعایت اصل بی‌طرفی در هر مرحله از دادرسی، از آغاز تحقیقات تا صدور حکم نهایی، باعث تضمین حقوق شهروندان و حفظ تعادل بین منافع جامعه و افراد می‌شود. به همین دلیل، نقش دادگاه در پاسداری از استقلال قضات و بی‌طرفی آنان نه تنها یک وظیفه حقوقی، بلکه رکن اساسی تحقق عدالت است.

۲-۲-تضمین حق دفاع و حضور وکیل در فرآیند دادرسی

حق دفاع از جمله حقوق بنیادینی است که در هر نظام قضایی، به‌ویژه در فرایند دادرسی کیفری، مورد تأکید قرار گرفته است. این حق، به متهم اجازه می‌دهد تا در برابر اتهامات وارده از خود دفاع کند، اظهارات و مستندات خود را ارائه نماید و از طریق حضور وکیل مجرب، از حمایت قانونی و مشاوره حقوقی بهره‌مند شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۵ به صراحت به حق داشتن وکیل اشاره کرده و آن را یکی از ستون‌های دادرسی عادلانه می‌شناسد. این حق همچنین در اسناد بین‌المللی مانند ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید است. حضور وکیل در فرایند دادرسی، نقش مهمی در تضمین حق دفاع ایفا می‌کند؛ زیرا وکیل به‌عنوان نماینده قانونی متهم، ضمن شناخت دقیق قوانین و مقررات، می‌تواند به طور مؤثر از حقوق موکل خود حمایت نماید، بر رعایت قانون نظارت کند و در برابر هرگونه تخلف احتمالی، واکنش مناسب نشان دهد. همچنین، وکیل می‌تواند از بروز فشارهای غیرقانونی بر متهم جلوگیری کرده و فضای دادرسی را متوازن سازد. این نقش حیاتی، در فرآیند رسیدگی موجب ارتقاء کیفیت عدالت و کاهش احتمال صدور آرای ناعادلانه می‌شود(منقوش و همکاران،۱۴۰۳:ص۲۵).

از منظر حقوقی و عملی، تضمین حق دفاع و حضور وکیل باید در تمام مراحل دادرسی رعایت شود، از زمان بازداشت و تحقیقات اولیه گرفته تا مرحله رسیدگی و صدور حکم. محدود کردن این حق، به‌ویژه در شرایطی که متهم بدون داشتن مشاوره حقوقی است، می‌تواند به نقض اصول بنیادین دادرسی منصفانه منجر شود و مشروعیت نظام قضایی را زیر سؤال ببرد. بنابراین، قانونگذار و مراجع قضایی موظف‌اند با اتخاذ تدابیر مناسب، زمینه حضور آزادانه وکیل را فراهم کرده و از هرگونه ممانعت یا محدودیت غیرقانونی جلوگیری کنند تا حق دفاع به عنوان یکی از ارکان عدالت کیفری تضمین شود.

۲-۳-نظارت بر رعایت تشریفات قانونی و منع اعمال زور و شکنجه

نظارت بر رعایت تشریفات قانونی در مراحل بازداشت و بازجویی از مهم‌ترین وظایف دادگاه‌های کیفری به شمار می‌رود. دادگاه‌ها مسئول هستند تا تضمین کنند تمام مراحل دادرسی طبق قانون و مقررات جاری کشور انجام شود و هیچ گونه تخلفی از قبیل اعمال زور یا شکنجه توسط ضابطان قضایی و مأموران پلیس رخ ندهد. بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ کس نمی‌تواند تحت شکنجه یا فشار برای گرفتن اقرار قرار گیرد و هرگونه اعترافات اخذ شده تحت شکنجه فاقد اعتبار است. دادگاه باید نسبت به صحت اجرای این اصل حساس باشد و در صورت مشاهده هرگونه تخلف، برخورد قانونی لازم را به عمل آورد.

وظیفه دادگاه در این زمینه نه تنها محدود به بررسی پرونده‌های کیفری است، بلکه شامل رسیدگی به شکایات متهمان نسبت به رفتار ضابطان قضایی نیز می‌شود. در این مرحله، دادگاه باید با دقت تمام ادعاهای مربوط به تخلفات را بررسی کند و از اعمال فشارهای غیرقانونی جلوگیری نماید. همچنین، دادگاه موظف است اطمینان حاصل کند که حق متهم برای دسترسی به وکیل در مراحل بازداشت و بازجویی رعایت شده باشد، چرا که فقدان این حق می‌تواند زمینه بروز نقض حقوق فردی و اجبار به اعترافات نادرست را فراهم آورد(شیدائیان و همکاران،۱۳۹۷:ص۱۰۱).

در مجموع، دادگاه‌ها به عنوان نهادهای حافظ عدالت و تضمین‌کننده حقوق متهمان، باید در مقابل هر گونه تخلف ضابطان و پلیس در مرحله بازداشت و بازجویی موضع جدی اتخاذ کنند. این نظارت دقیق موجب حفظ کرامت انسانی متهمان، پیشگیری از رفتارهای غیرقانونی و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌شود. همچنین، اجرای صحیح این وظیفه، از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری کرده و روند دادرسی را به سمت عدالت و رعایت حقوق اساسی هدایت می‌کند.

۳-۳-احترام به اصل علنی بودن دادرسی و حقوق اصحاب دعوی

اصل علنی بودن دادرسی یکی از اصول اساسی و بنیادین نظام قضایی است که نقش مهمی در تضمین عدالت و حفظ حقوق اصحاب دعوی ایفا می‌کند. این اصل بر این مبنا استوار است که جلسات دادگاه باید به صورت علنی و در حضور عموم برگزار شود تا شفافیت در روند رسیدگی فراهم آمده و مردم از نحوه اجرای عدالت آگاه شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۵ به وضوح بر این موضوع تاکید کرده و بیان می‌دارد که دادرسی باید علنی باشد مگر در مواردی که قانون استثنا قائل شده باشد. این رویه باعث می‌شود که روند رسیدگی‌ها تحت نظارت عمومی باشد و از

هرگونه تصمیم‌گیری پشت پرده جلوگیری شود(شیدائیان،پیشین،ص۱۱۹).

رعایت حقوق اصحاب دعوی نیز بخش جدایی‌ناپذیر از اصل علنی بودن است و دادگاه موظف است همه ادعاها و دفاعیات را بدون جانبداری و به صورت منصفانه بشنود. این استماع بی‌طرفانه، زمینه را برای صدور حکم عادلانه فراهم می‌آورد و از تضییع حقوق هر یک از طرفین جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، حق داشتن فرصت برابر برای ارائه دلایل و مستندات، همواره باید محترم شمرده شود تا عدالت در جریان دادرسی تحقق یابد. این موضوع در قوانین آیین دادرسی کیفری و مدنی با صراحت ذکر شده و رعایت آن برای دادگاه الزامی است.

در نهایت، شفافیت در رسیدگی از طریق علنی بودن دادرسی، اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را تقویت می‌کند و موجب می‌شود که حقوق شهروندان به درستی و در فضایی باز مورد حمایت قرار گیرد. دادگاه‌ها با عمل به این اصل، نقش خود را به عنوان نهادی مستقل و پاسخگو در فرآیند اجرای عدالت ایفا می‌کنند و از نفوذ و فشارهای غیرقانونی بر روند دادرسی جلوگیری می‌نمایند. به این ترتیب، اصل علنی بودن دادرسی نه تنها یک حق قانونی برای اصحاب دعوی بلکه تضمینی برای سلامت نظام قضایی به شمار می‌رود.

۳-موانع تحقق نقش حمایتی دادگاه‌های کیفری

موانع تحقق نقش حمایتی دادگاه‌های کیفری از موضوعات مهمی است که می‌تواند تاثیر مستقیم بر کیفیت اجرای عدالت داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این موانع، مشکلات ساختاری و سازمانی نظام قضایی است که موجب کاهش سرعت و دقت در رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود. کمبود نیروی انسانی متخصص، ناتوانی در مدیریت پرونده‌ها و تأخیرهای طولانی در برگزاری جلسات دادگاه، باعث می‌شود که حمایت لازم از حقوق متهمان و شاکیان به درستی انجام نگیرد و در نتیجه عدالت به مخاطره بیفتد. این مسائل به ویژه در پرونده‌های پیچیده و سنگین، بار سنگینی بر دوش دادگاه‌ها می‌گذارد و موجب نارضایتی عمومی می‌شود(سلیمی و مجدرحیم آبادی،۱۴۰۳:ص۱۱).

از سوی دیگر، وجود برخی کاستی‌ها در قوانین و مقررات نیز مانع دیگری برای تحقق نقش حمایتی دادگاه‌ها به شمار می‌رود. نبود ضمانت‌های کافی برای حمایت از حقوق شهروندان، خلأهای قانونی در زمینه مقابله با تخلفات ضابطان قضایی و ضعف در نظارت‌های اجرایی، همه باعث شده تا دادگاه‌ها نتوانند به صورت کامل و جامع از حقوق اصحاب دعوی دفاع کنند. این مسئله در مواردی منجر به تضییع

حقوق متهمان یا حتی شاکیان شده و در نهایت موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌شود.

همچنین، فشارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز به عنوان مانعی جدی در مسیر تحقق نقش حمایتی دادگاه‌های کیفری شناخته می‌شوند. گاهی اوقات دخالت‌های غیرقانونی یا فشارهای بیرونی، قضاوت عادلانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و استقلال قضایی را تهدید می‌کند. این عوامل می‌توانند باعث شوند که دادگاه‌ها نتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند و حقوق طرفین دعوی به طور کامل رعایت نشود. بنابراین، رفع این موانع نیازمند اصلاحات عمیق در ساختار قضایی، تقویت قوانین و تضمین استقلال قضات است تا دادگاه‌ها بتوانند نقش حمایتی خود را به بهترین شکل ایفا کنند.

۴-آثار رعایت یا نقض حقوق اساسی شهروندان در دادگاه‌های کیفری

رعایت حقوق اساسی شهروندان در دادگاه‌های کیفری نقش بسیار مهمی در تحقق عدالت و اعتماد عمومی به نظام قضایی ایفا می‌کند. وقتی حقوق پایه‌ای مانند حق دفاع، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و حق دسترسی به وکیل به درستی رعایت شود، فرآیند دادرسی شفاف و منصفانه خواهد بود. این امر موجب می‌شود تا متهمان از فرصت لازم برای دفاع برخوردار شوند و دادگاه بتواند بر اساس دلایل و مستندات معتبر حکم صادر کند. همچنین، رعایت این حقوق باعث تقویت مشروعیت نظام قضایی و افزایش اعتماد شهروندان به عدالت کیفری می‌شود که در نهایت به حفظ نظم اجتماعی و توسعه عدالت منجر خواهد شد. در مقابل، نقض حقوق اساسی شهروندان در دادگاه‌های کیفری تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین آثار این نقض، صدور احکام ناعادلانه و بی‌پایه است که می‌تواند به اشتباه متهمان بی‌گناه را مجازات کند یا حقوق شاکیان را نادیده بگیرد. چنین وضعیتی علاوه بر ایجاد بی‌اعتمادی عمومی نسبت به دستگاه قضایی، موجب تضعیف امنیت حقوقی و افزایش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. همچنین، نقض این حقوق ممکن است باعث شود تا پرونده‌ها به مراجع بالاتر ارجاع داده شده و فرآیند دادرسی طولانی‌تر و هزینه‌برتر شود(الهی منش و اوجقاز،۱۳۹۳:ص۶۳).

از سوی دیگر، رعایت یا نقض حقوق اساسی تأثیر مستقیم بر سلامت روان و شخصیت افراد دارد. هنگامی که حقوق متهم یا شاکی محترم شمرده شود، فرد احساس امنیت و عدالت می‌کند و روند دادرسی را منصفانه می‌داند. اما در صورت نقض این حقوق، افراد با احساس بی‌عدالتی، اضطراب و ناامنی مواجه می‌شوند که می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و حتی ناهنجاری‌های روانی منجر شود. به همین دلیل، دادگاه‌های

کیفری به عنوان نهادهای اجرای عدالت باید توجه ویژه‌ای به حفظ و رعایت حقوق اساسی داشته باشند تا هم عدالت تامین شود و هم سلامت روان و اعتماد جامعه حفظ گردد.

رای شماره ۷۳۷ - هیأت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۸)

موضوع: نقض حق دفاع و بی‌طرفی در دادرسی کیفری

خلاصه پرونده: در این پرونده، متهم شکایت داشت که در مرحله بازجویی و دادرسی، حق داشتن وکیل برای دفاع از خود به وی داده نشده و دادگاه به درخواست‌های وی برای استفاده از حق دفاع توجه نکرده است. همچنین ادعا شده بود که دادگاه به دلایل غیرحقوقی تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار گرفته و بی‌طرفی خود را حفظ نکرده است.

رای دیوان عالی کشور: هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۸، با استناد به مواد ۱۸۴، ۱۹۰، و ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن تأکید بر اصل بی‌طرفی و حق دفاع متهم، حکم دادگاه بدوی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه ارجاع نمود. دیوان بر این نکته تأکید کرد که عدم رعایت این حقوق موجب صدور حکم ناعادلانه و تضییع حقوق متهم است و باعث خدشه‌دار شدن مشروعیت نظام قضایی می‌شود.

تحلیل و اهمیت رای:

این رای به روشنی نشان می‌دهد که رعایت حقوق اساسی شهروندان، به ویژه حق دفاع و استقلال قضات در صدور رای، از ارکان حیاتی دادرسی کیفری است. نقض این حقوق نه تنها می‌تواند به صدور احکام ناعادلانه منجر شود بلکه اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را به شدت کاهش می‌دهد. دیوان عالی کشور با صدور این رای، بار دیگر به همه مراجع قضایی یادآوری کرده است که تضمین بی‌طرفی و حق دفاع باید در رأس رسیدگی‌های کیفری قرار گیرد تا عدالت واقعی محقق شود.

در نهایت، این تصمیم نشانگر تعهد نظام قضایی کشور به احترام به حقوق شهروندان و حفظ استقلال و بی‌طرفی دادگاه‌ها است، امری که برای دستیابی به عدالت کیفری ضروری و غیرقابل گذشت می‌باشد.

۴-۱-تأثیر بر مشروعیت نظام قضایی و اعتماد عمومی

احترام به حقوق شهروندان در فرایند دادرسی کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت مشروعیت نظام قضایی و افزایش اعتماد عمومی دارد. هنگامی که دادگاه‌ها به طور کامل و جدی حقوق اساسی متهمان و شاکیان را رعایت می‌کنند، این امر نشان‌دهنده عدالت و بی‌طرفی نهاد قضایی است و

موجب می‌شود مردم احساس کنند که حق آنها در نظام عدالت محترم شمرده می‌شود. چنین رویکردی نه تنها به ایجاد اعتماد و اطمینان نسبت به قضاوت‌ها کمک می‌کند بلکه به افزایش مشارکت شهروندان در فرایندهای حقوقی و حمایت از قانون نیز منجر می‌شود. در مقابل، نقض حقوق شهروندان می‌تواند اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را به شدت تضعیف کند و مشروعیت نظام عدالت کیفری را زیر سوال ببرد. وقتی مردم شاهد رفتارهای ناعادلانه، تبعیض یا بی‌توجهی به حقوق متهمان و شاکیان باشند، احساس بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه تقویت می‌شود. این موضوع باعث کاهش همکاری مردم با مراجع قضایی و حتی افزایش بی‌اعتمادی نسبت به قانون و مسئولان قضایی خواهد شد که نهایتاً به تضعیف نظم اجتماعی و ایجاد شکاف میان حکومت و مردم منجر می‌گردد(رضائی راد و همکاران،۱۳۹۵:ص۸۱).

از این رو، احترام به حقوق اساسی شهروندان فراتر از یک الزام قانونی، یک ضرورت اجتماعی است که برای حفظ ثبات و کارآمدی نظام قضایی باید همواره مدنظر قرار گیرد. این احترام به حقوق، نماد عدالت و اخلاق در قضاوت است و موجب می‌شود که مردم به عنوان اصلی‌ترین ذینفعان نظام قضایی، آن را نه تنها به عنوان یک ساختار حقوقی بلکه به عنوان یک نهاد قابل اعتماد و محترم بپذیرند. در نتیجه، تقویت این عنصر کلیدی می‌تواند سنگ بنای توسعه عدالت و امنیت حقوقی در جامعه باشد.

۴-۲-پیامدهای نقض حقوق در پرونده‌های کیفری

نقض حقوق در پرونده‌های کیفری پیامدهای گسترده و عمیقی دارد که می‌تواند هم به فرد متهم و هم به نظام قضایی کشور آسیب جدی وارد کند. اولین و مهم‌ترین پیامد این نقض، صدور احکام ناعدالانه است که نتیجه‌ای جز تضییع حق افراد و بروز اشتباهات قضایی ندارد. وقتی حقوق متهم رعایت نشود، احتمال محکومیت افراد بی‌گناه افزایش یافته و عدالت قربانی می‌شود. این موضوع نه تنها زندگی متهم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه اعتبار و کارایی دستگاه قضایی را نیز به شدت کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، نقض حقوق شهروندان موجب افزایش نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی به نهادهای قضایی می‌شود. مردم وقتی ببینند حقوق افراد در پرونده‌های کیفری به درستی محافظت نمی‌شود، احساس می‌کنند که عدالت به درستی اجرا نمی‌شود و این امر به کاهش همکاری و حمایت اجتماعی از نظام عدالت منجر می‌شود. این نارضایتی ممکن است زمینه‌ساز بروز تنش‌ها و اختلافات اجتماعی شود که در بلندمدت به تضعیف نظم و امنیت عمومی منجر می‌گردد.همچنین، در مواردی که نقض حقوق به حدی

گسترده و جدی باشد، ممکن است دولت مسئولیت بین‌المللی پیدا کند و متعاقب آن تحت فشارهای حقوقی و سیاسی قرار گیرد. هرچند در سوال قبلی گفتی نخواهیم به حقوق بین‌الملل بپردازیم، اما به لحاظ حقوق داخلی نیز، دولت متعهد است که حقوق شهروندان را رعایت کند و در صورت قصور، طبق قوانین و مقررات داخلی باید پاسخگو باشد. بنابراین، نقض حقوق در پرونده‌های کیفری علاوه بر آثار انسانی و اجتماعی، می‌تواند به بحران‌های قانونی و سیاسی برای کشور منجر شود و ضرورت اهتمام جدی به رعایت حقوق در مراحل مختلف دادرسی را دوچندان می‌کند.

نتیجه‌گیری

نقش دادگاه‌های کیفری در تضمین حقوق اساسی شهروندان، به عنوان یکی از ارکان مهم نظام عدالت کیفری، از اهمیت فراوانی برخوردار است. رعایت دقیق حقوق متهمان و شاکیان در فرایند دادرسی نه تنها به تحقق عدالت کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و تقویت مشروعیت آن می‌شود. دادگاه‌های کیفری با پایبندی به اصول بی‌طرفی، حق دفاع و حضور وکیل، می‌توانند زمینه‌ساز برقراری عدالت واقعی و احترام به کرامت انسانی باشند.با این حال، در عمل چالش‌هایی نظیر فشارهای بیرونی، کمبود امکانات و نقص آموزش قضات، گاه مانع از تضمین کامل این حقوق شده است. این مشکلات می‌تواند باعث صدور احکام ناعادلانه و کاهش اعتبار نظام قضایی شود که نتیجه آن، تضعیف اعتماد عمومی و افزایش احساس ناامنی حقوقی در جامعه است. بنابراین، ضرورت تقویت ساختارهای قانونی و اجرایی برای حمایت از حقوق اساسی در دادگاه‌های کیفری بیش از پیش احساس می‌شود.

همچنین، اجرای دقیق مقررات و نظارت موثر بر رعایت حقوق اساسی در مراحل مختلف دادرسی، نقش مهمی در پیشگیری از تخلفات و تضییع حقوق شهروندان دارد. تقویت آموزش‌های تخصصی برای قضات و کارکنان قضایی، به همراه توسعه سازوکارهای پاسخگویی و شفافیت، می‌تواند به بهبود کیفیت دادرسی و ارتقای عدالت کیفری کمک کند. این اقدامات موجب می‌شود که حقوق اساسی شهروندان به طور مستمر مورد حمایت قرار گیرد و زمینه‌های بروز نارسایی‌ها کاهش یابد.

افزون برآن، برای تضمین نقش موثر دادگاه‌های کیفری در حفاظت از حقوق اساسی شهروندان، همکاری همه نهادهای ذیربط از جمله قوه قضاییه، نهادهای حقوق بشری و جامعه مدنی ضروری است. تنها از طریق تلاش جمعی و بهره‌گیری از راهکارهای قانونی و اجرایی می‌توان به نظام

قضایی عادلانه و قابل اعتمادی دست یافت که حقوق همه افراد را به شکلی کامل و منصفانه تأمین نماید.

پیشنهادات

پیشنهادات کاربردی

۱. توسعه سامانه‌های آموزشی تخصصی در زمینه حقوق اساسی و دادرسی عادلانه برای قضات و کارکنان قضایی.

۲. استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات حقوقی و مراحل دادرسی کیفری.

۳. تقویت همکاری بین دادگاه‌های کیفری و نهادهای حقوق بشری برای پایش مستمر رعایت حقوق اساسی در فرایند دادرسی.

پیشنهادات عملی

۱. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی منظم برای ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای قضات در زمینه تضمین حقوق اساسی.

۲. ایجاد واحدهای نظارتی مستقل در دادگاه‌ها برای بررسی مستمر تخلفات احتمالی در رعایت حقوق شهروندان.

۳. طراحی و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخشی برای متهمان و شاکیان درباره حقوقشان در فرایند دادرسی کیفری.

پیشنهادات اجرایی

۱. اصلاح و بازنگری قوانین آیین دادرسی کیفری به منظور تضمین دقیق‌تر و کامل‌تر حقوق اساسی متهمان و شاکیان.

۲. تصویب دستورالعمل‌های روشن و الزامی برای قضات در خصوص رعایت اصل بی‌طرفی و حق دفاع.

۳. تخصیص بودجه ویژه به دادگاه‌های کیفری برای تجهیز و به‌روزرسانی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات جهت ارتقای شفافیت و نظارت.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

الف) منابع فارسی کتاب‌ها

رضائی راد، عبدالحسین؛ دوستی پور، میثم؛ آل طاها،سیدحسین(۱۳۹۵)، مبانی فقهی و حقوقی امارات قضایی در نظام نوین دادرسی، تهران: انتشارات مجد

مقالات

اکرمی، روح الله؛ حسین علی زاده، امیرعباس(۱۴۰۰)، بررسی صلاحیت دادگاه‌های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری۹۲ با اصلاحات بعدی با تاکید بر دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، چهارمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی،فقه،حقوق و روانشناسی،ص۲۰-۱

سلیمی،صادق؛ مجدرحیم آبادی، معص.مه(۱۴۰۳)، موانع مسئولیت کیفری اشخاص در دادگاه بین المللی کیفری، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی،صص۲۰-۱

شاهمرادی،عصمت؛ جاوید،محمدجواد(۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی تحولات حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره۲۰،شماره۷۸،صص۱۰۶-۸۳

شیدائیان،مهدی؛ اسحاقی،سیدجعفر(۱۳۹۹)، جلوه‌های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره۲۵،شماره۸۹،صص۱۲۰-۱۰۱

شیدائیان،مهدی؛ اسحاقی،سیدجعفر؛ رجایی،زهرا(۱۳۹۷)، پیشگیری وضعی تقنینی از جرم شکنجه،فصلنامه پژوهش حقوق کیفری،دوره۷،شماره۲۵،صص۱۲۳-۸۹

فلاح نژاد،فاطمه(۱۴۰۱)، استقلال و بی‌طرفی قضایی جلوه‌ای از دادرسی منصفانه در جهت حفظ حقوق شهروندی؛ سیستم حقوقی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین، مجله حقوق تطبیقی،دوره۱۳،شماره۲،صص۷۷۵-۷۳۷

منقوش،محمد؛موسی زاده،رضا؛ رحمانی،هما(۱۴۰۳)، بررسی آثار و پیامدهای حضور وکلای دادگستری در سیستم قضایی؛ با تاکید بر حق دسترسی و انتخاب وکیل مدافع در قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه آفاق علوم انسانی،دوره۸،شماره۸۵،صص۷۵-۶۰

الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن(۱۳۹۳)، تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری، فصلنامه قضاوت، دوره۱۴،شماره۸۰،صص۸۲-۵۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی